

درآمد

اگر بپذیریم که هدف از آموزش و پرورش، آماده‌سازی نسل آینده برای ورود به اجتماع و پذیرش مسئولیت‌های انسانی و اجتماعی و پرورش نسل بعدی است، و اگر بپذیریم که یادگیری مفاهیم علوم اجتماعی، هم‌چون مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی، هویت‌یابی، نظم‌پذیری و...، پایه‌های روند اجتماعی شدن و رشد انسان اجتماعی است، درمی‌یابیم که اهمیت آموزش این مفاهیم، از حد حفظ کردن چند

قطعاً با حفظ کردن صرف مطالب نظری

دست یافتنی نیستند. درحالی‌که با استفاده از انواع شیوه‌ها و وسایل آموزشی می‌توان، تجارب واقعی و حقیقی را در اختیار دانش‌آموزان قرار داد.

در آموزش مفاهیم علوم اجتماعی و مفاهیمی که با زندگی و رفتار جمعی ارتباط دارند، رسانه‌های جمعی می‌توانند، به عنوان ابزار و وسایل آموزشی در فرایند یادگیری این علوم به کار گرفته شوند. ارائه‌ی مدل‌های رفتاری و ظاهری می‌توانند، در هم‌رنگی

دانش‌آموزان انگیزه‌ی بیشتری برای یادگیری این مفاهیم که سخت و خشک می‌نمایند، ایجاد کند.

وسایل ارتباط جمعی، به دلیل ویژگی‌های اصلی‌شان، یعنی قدرت و شعاع گسترده‌ی عمل و برقراری رابطه با جمع، می‌توانند مانند نهادهای اجتماعی، مورد بررسی قرار گیرند.

متأسفانه، اغلب تحقیقات و پژوهش‌ها در مورد بررسی اثرات مخرب و سوء این وسایل بر کودکان و نوجوانان انجام شده

تأثیر رسانه‌های جمعی بر

آموزش مفاهیم علوم اجتماعی در مدارس

ماهرخ مؤذن
دبیر آموزش و پرورش رشت

ظاهری و هم‌رنگی در رفتارهای اجتماعی که هنجارهای جامعه و ارزش‌شمرده می‌شوند، تأثیرگذار باشند و تعهد خود به خودی و رغبت‌آمیز را در دانش‌آموزان به وجود آورند. این وسایل، نوعی ابزار ارسال پیام‌اند که به ویژه در امر آموزش مسائل اجتماعی، بسیار مؤثرتر از گچ و تخته‌ی سیاه عمل می‌کنند. هنگام استفاده از این ابزارها، معلم می‌تواند ارتباط نزدیک‌تری با دانش‌آموزان برقرار سازد و آن‌ها را بهتر بشناسد. به علاوه، در

درس کتاب علوم اجتماعی فراتر است و هزینه کردن در جهت استفاده از شیوه‌های نو و ابزارهای مناسب، منطقی می‌نماید. از طرف دیگر، تشکیل مفاهیم تفکر استقرایی، آموزش تحقیق، تدوین اندیشه، رشد عقلانی، یادگیری غیرهدایتی، افزایش آگاهی، سالم‌سازی روابط اجتماعی، کار تحقیق‌گروهی، آموزش مهارت‌ها، کنترل برخورد و رشد کلامی که می‌توانند اهداف و مسائل متفاوت آموزشی را تشکیل دهند،



است. از طرف دیگر، هنوز مدل منسجم و عملی برای ارزیابی و اندازه‌گیری آماری استفاده از این ابزارها در آموزش (به ویژه آموزش علوم اجتماعی در مدارس) در دست نیست و هنوز شیوه‌ی حفظ کردن طوطی‌وار^۱ موضوعات درسی، ستون فقرات فرایند آموزشی به حساب می‌آید.

اگر در انتقاد از رسانه‌های جمعی، به ویژه رادیو و تلویزیون، به اکثریت خاموشی اشاره می‌شود که تحت تاثیر فرهنگ تبلیغی این رسانه‌ها قرار می‌گیرند^۲، آموزش

و پرورش می‌تواند فرهنگ برخوردار فعال، اثرگذار و نقاد را در میان دانش‌آموزان ترویج کند و بدین وسیله، بر نقش مشارکت اجتماعی آن‌ها اثر بگذارد. این وسائل، از طریق تکرار، تعدد، گستردگی و وسعت عمل، قدرت و توانایی زیادی در ایجاد شبکه‌ی روابط میان افراد دارند و می‌توانند، روند فرافکنی و این همانی را آسان کنند. اگر به پخش پیام‌های بازرگانی در رادیو، تلویزیون و جراید و اثرات آن بر فرهنگ مصرف جامعه توجه کنیم، قدرت این ابزارها بیشتر به چشم می‌آیند و این سؤال به ذهن متبادر می‌شود: «چرا چنین وسایل قدرتمندی با شیوه‌های مدرن و جادویی، در خدمت آموزش و پرورش نسل آینده قرار نگیرند؟»

چکیده

در این مقاله سعی شده است، ضرورت‌های استفاده از وسایل ارتباط جمعی

در آموزش علوم اجتماعی در مدارس و نتایج مثبت و مؤثر آن مطرح شود. هم چنین، با ارائه‌ی بعضی مدل‌ها و شیوه‌های عملی، هم چون پروژه‌ی «SOAR»^۳ و برنامه‌ی «ADAPT»^۴ (برگرفته از پروژه‌های کتاب‌خانه‌ای و تجربیات کشورهای دیگر به اضافه تجربه‌های شخصی)، برای اولین بار کلید آغاز تحولی در امر آموزش علوم اجتماعی زده شود. روشن است که این امر می‌تواند به شکل‌گزینی و پراکنده در تمام استان‌ها (به عنوان طرح پژوهشی) آغاز و تجربه شود و سپس نتایج، نقاط قوت و ضعف، و موانع اجرای آن مورد بررسی قرار گیرد تا نهایتاً به تدوین برنامه‌ای منسجم و سراسری بینجامد. این مقاله فراخوانی برای مشارکت همه‌ی اندیشمندان و دست‌اندرکاران در این زمینه است.

کلید واژه‌ها: رسانه‌های جمعی، آموزش، آموزش مفاهیم، علوم اجتماعی، معلم، دانش‌آموز.



مقدمه

آموزش و پرورش انسان محور، چند بعد دارد که این ابعاد دارای درجاتی از اهمیت هستند. یک بعد از این آموزش و پرورش آن است که شخصیت انسان از لحاظ عقلی، عاطفی، زیبایی شناسی، جسمی و نگرشی، رشدی موزون پیدا کند. قدرت ذهن او شناخته شود و دنیای درون، یعنی حس اخلاقی و ارزش گذاری حس معنوی او بارور گردد. یعنی محیط آموزشی باید رشد شخصی، تجربه‌ی خوداکتشافی و آزادی درونی انسان را شکوفا سازد. در چنین آموزش و پرورشی، انضباط فکری، حساس بودن نسبت به زیبایی، و غنابخشیدن به روابط شخصی، ارزش فوق العاده دارند. مطالعه‌ی جامعه‌ی انسانی دیگر به مطالعه‌ی اشیاء محدود نخواهد بود، بلکه به تعهد در مقابل جامعه، مسئولیت اجتماعی، مشارکت فرهنگی و احیای حقوق انسان‌ها مبدل می‌شود. اهداف اجتماعی و آموزشی در یک جامعه‌ی درحال یادگیری، باهم تلفیق می‌شوند و در خدمت همه‌ی انسان‌ها قرار می‌گیرند. ترکیب مسائل نظری با مسائل عملی، به کسب مهارت‌هایی منجر می‌شود که در محیط کار مورد نیازند. تفاوت بین دبیرستان‌های نظری با دبیرستان‌های حرفه‌ای باید کاهش یابد و برای تلفیق کار با آموزش، دانش‌آموزان در فعالیت‌هایی مانند برنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی و خدمت به جامعه مشارکت کنند.

«مطالعات اجتماعی»، یک برنامه‌ی درسی است که هدف‌های خود را از ماهیت و نیازهای جامعه، و محتوای خود را از علوم اجتماعی می‌گیرد. این درس باید به شیوه‌ای آموزش داده شود که تجربیات شخصی، اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان را منعکس سازد و به آن‌ها کمک کند، یادگیری را به زندگی خارج از مدرسه انتقال دهند.

رسانه‌های جمعی می‌توانند به عنوان ابزاری در خدمت این مطالعات مورد استفاده

قرار گیرند و به عنوان پلی ارتباطی، میان مدرسه و جامعه، ایفای نقش کنند. کارگزاران تعلیم و تربیت می‌باید از امکانات و برنامه‌های آموزشی و تربیتی عرضه شده توسط ماهواره‌ها، تلویزیون، رادیو و دیگر رسانه‌های ارتباط جمعی بهره بگیرند و از همه‌ی این امکانات، به صورت یک نظام به هم پیوسته، برای ایجاد و انتقال دانش و اطلاعات استفاده کنند. یک نظام کمکی و تکمیلی، استانداردهای قابل انطباق را تقویت می‌کند و آموزش مادام‌العمر را تداوم می‌بخشد.

بحث‌های زیادی در زمینه‌ی نقش رسانه‌ها، اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی وجود دارند. یکی از آن بحث‌ها، پاسخ به این سؤالات است که آیا از این ابزار مدرن به عنوان وسیله‌ی مستقیم آموزشی استفاده شود یا خیر؟ آیا جای‌گزین سیستم‌های سنتی شوند و یا به عنوان ابزار کمک آموزشی مورد استفاده قرار گیرند؟ این بحث ادامه خواهد داشت، زیرا پاسخ دادن به پرسش‌های مذکور، مستلزم در نظر گرفتن وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر کشور است.

نگاهی به آموزش و پرورش سنتی و لزوم ایجاد تحول در آن

نظام به اصطلاح «آموزش رسمی» در اکثر کشورها، نه به درد جوامع امروز می‌خورد و نه به درد آینده. این نظام از واقعیت‌ها دور مانده و حالت قدرت‌گرا، تک‌بعدی، متمرکز و ایستا به خود گرفته بود.

در صورتی که روند جدید آموزش و پرورش در راستای مشارکت مردم، گوناگونی، عدم تمرکز و پویایی قرار دارد. اگر نظام آموزشی در لاک خود فرو نرود، بر روی جوامع گشوده باشد، با آن‌ها داد و ستد متقابل برقرار کند، و در برابر معضلات و نیازمندی‌های اجتماعی حساسیت بیشتری از خود نشان دهد، بهتر می‌تواند امکانات برون از خود را برای مقاصد آموزشی بسیج کند.

در یک جامعه‌ی متحول و پویا،

تغییرپذیری و نرمش در آموزش، ضرورت دارد. آموزش و پرورش باید در نقاط روستایی و شهری متفاوت باشد و با تحرک مردم، مهاجرت‌های فصلی فرزندان کارگران کشاورزی و ساختمانی از یک سو، و وضع کارخانه‌ها و شهرک‌های حاشیه‌ی شهرها از سوی دیگر، سازگاری داشته باشد.

دیگر آموزش متکی بر انتقال «درس مایه‌های»^۵ ثابت و اطلاعات مندرج در کتاب‌ها به وسیله‌ی معلمان به متعلمان منفعل، برای حال و آینده مناسب نیست. دانش‌آموزان باید به اشخاص یادگیرنده و پی‌گیر تبدیل شوند. آن‌ها باید نحوه‌ی یادگرفتن را یاد بگیرند تا بتوانند، به طور مداوم بیاموزند. در گذشته، اطلاعات کمیاب بود و معلم منبع آن‌ها محسوب می‌شد. معلم نقش یاددهنده و ناقل اطلاعات را ایفا می‌کرد. امروزه، اطلاعات در همه جا پراکنده است. اگر هنوز هم آموزش و پرورش روی یاددادن تأکید کند، پربار نخواهد بود. یاددادن باید جای خود را به یادگرفتن بدهد. به عبارت دیگر، شخص باید نحوه‌ی یادگرفتن را یاد بگیرد.

در عصری که کتب درسی قبل از این که از زیر چاپ درآیند، کهنه می‌شوند و بیشتر مشاغل، نوآوری‌های سریع و مداوم را تجربه می‌کنند. اهداف نهایی و کلی تعلیم و تربیت باید تغییر یابند. امروزه به نظر می‌رسد که مقدار اطلاعات در دست رس از طریق رایانه و وسایل ارتباطی، از توانایی افراد در استفاده از اطلاعات پیشی گرفته است. در چنین زمینه‌ای، لازم نیست محافل آموزشی به منزله‌ی مخزن دانش و معلمان به مثابه سخن‌ران و انتقاددهنده‌ی اطلاعات خدمت کنند. بلکه بسیار مهم و لازم است که شاگردان، مهارت خود را در تفکر و استدلال افزایش دهند، اطلاعات موجود را پردازش کنند و آن‌ها را به کار ببرند. نظام سنتی موجود نمی‌تواند جواب‌گوی این نیازها باشد. نظام آموزشی باید با تمام بخش‌های اجتماعی پیوند داشته باشد. بایسته است که آموزش و

پرورش برای مبارزه با فقر، انحرافات اجتماعی، بیماری‌های روانی گسترده و بحران آلودگی محیط زیست، راه حل سریعی ارائه دهد. برای شادی و خرمی نمی‌توان به امید آینده نشست، بلکه شاد زیستن باید با فرایند آموختن پیوند یابد.

برای رسیدن به این منظور، خط مشی‌های جدیدی به شکل زیر می‌توان ارائه کرد:

۱. تحریک و تقویت سایر بخش‌های اجتماعی به منظور درک و به کارگیری وظایف آموزشی.

۲. گشودن باب آموزش به اصطلاح رسمی به روی تمام واقعیت‌های اجتماعی و برقراری پیوند با آن‌ها.

۳. بهره‌برداری از آموزش برای ایجاد آگاهی جدید از محیط زیست.

۴. تبدیل فرایند یاددادن به یادگرفتن.

۵. بازآموزی معلمان برای تطبیق با وظایف جدید.

۶. غیرمتمرکز کردن مدیریت آموزش و پرورش و تجدیدنظر در تخصیص منابع و افزایش سهم آموزش.

بد نیست در این بخش، نگاهی به آموزگاران بزرگ هند و انتقاد آن‌ها از نظام سنتی آموزش و پرورش و تأکیدشان بر لزوم تحول این نظام داشته باشیم.

رابیند رانات تاگور، شاعر بزرگ و شناخته شده‌ی جهانی که در هند به «گورو» به معنای «معلم محترم» شهرت دارد، معتقد بود که آموزش و پرورش باید رابطه‌ی تنگاتنگی با محیط طبیعی و جامعه‌ی انسانی اطراف دانش آموز داشته باشد. در نظر او، آموزش‌های امروزی خشک و بی‌روح هستند و به کلاس‌های درس محدود می‌شوند. به نظر تاگور، آموزش‌ها باید به گونه‌ای باشند که دانش آموز بتواند، درون جامعه، نحوه‌ی رفتارهای اجتماعی خود را تنظیم کند و با کل و تمامیت زندگی، اقتصاد، جریان‌ات فکری و اجتماعی، زیباشناسی و معنویت تماس داشته باشد.

از نظر او، ایجاد روح آزادی و ارائه‌ی لذت به دانش‌آموزان، از دیگر اهداف و وظایف آموزشی باید باشد. فعالیت‌های آموزشی با بازی، موسیقی و رقص، سرود و نمایش و... همراه باشد تا مایه‌ی نشاط جسم و روح شود. او از شیوه‌های معمول آموزشی و پرورشی که بر منابع رسمی و امتحانات کتبی تکیه دارند، شدیداً انتقاد می‌کرد و معتقد بود، دانش آموز باید رشدی روشن‌فکرانه داشته و تفکر انتقادی را یاد بگیرد.

و گاندی، رهبر استقلال هند، در «آموزنده‌ی نون» خود به دنبال اهداف زیر بود:

۱. ایجاد پلی بین مدرسه و دنیای واقعی کار؛
۲. وارد کردن جهت‌گیری عملی در مواد درسی؛

۳. ایجاد حس خوداتکایی.

و پاره‌ای از میراث و یادگارهای به جا مانده از تعالیم گاندی در مورد آموزش و پرورش عبارت‌اند از:

۱. تمام مفاهیم درسی علوم اجتماعی به کمک عمل و فعالیت خود دانش‌آموز تدریس شود.

۲. دانش‌آموزان تعلیم داده شوند تا بتوانند، در گروه‌های کوچک باهم کار مشترک داشته باشند.

۳. فعالیت‌های کلاسی باید به امور زندگی و منزل آن‌ها مربوط باشد.

۴. به دانش‌آموزان فرصت کارکردن و فعالیت مستقل از معلم داده شود [محمدی، ۱۳۸۱: ۵۷، ۵۸، ۶۲ و ۶۳].

ویژگی‌های رسانه‌های جمعی

رسانه‌های جمعی به دلیل ویژگی‌های اصلی‌شان، یعنی قدرت و شعاع گسترده و برقراری رابطه با جمع، می‌توانند به عنوان ابزارهای بسیار مؤثری در روند اجتماعی شدن فرد در جامعه مطرح شوند. این وسایل از طریق تکرار، تعدد، گستردگی و شعاع عمل وسیع، قدرت و توانایی زیادی در ایجاد شبکه‌ی روابط میان افراد دارند. شاید بتوان

ویدیو، تلویزیون، رادیو و سپس جراید را، به دلیل ویژگی‌هایشان و استفاده از انواع قالب‌های ادبی و هنری در صدر قرار داد. این وسایل، از آن جهت اثرات قابل ملاحظه‌ای دارند که روند فرافکنی و این‌همانی را تسهیل می‌کنند و سرانجام رشد شخصیت پایه را برای پذیرش شرایط گوناگون فراهم می‌آورند. با توجه به همین ویژگی‌ها، اشاعه‌ی خشونت یا فرهنگ مصرف، توسط تحقیقات و پژوهش‌های نوجوانان انجام شده است. اما از طرف دیگر، نمی‌توان به دلیل کاربرد نادرست فناوری‌ها، مزایا و نکات مثبت آن‌ها را نادیده گرفت.

طبق نظرات اندیشمندانی نظیر لویی آرمان، فرد واقعاً با فرهنگ، نمی‌تواند به کلی از کاربردهای علم بی‌خبر باشد و اگر ملتی فنون را از فرهنگ خود خارج کند، خطر از میان رفتن خود فرهنگ به وجود می‌آید. نتیجه این که فنون و کاربردهای علمی و فناورانه می‌توانند در خدمت رشد و توسعه‌ی فرهنگی به کار گرفته شود.

در مورد ICT (فناوری ارتباطات و اطلاعات)، اشخاصی نظیر فارستر و مورین، به جرائم ناشی از استفاده‌ی نادرست از رایانه، سرعت نرم‌افزاری، هک کردن، استفاده از ویروس‌ها، تجاوز به حریم خصوصی اشخاص، هوش مصنوعی و تأثیرات رایانه بر زندگی و کار، از خلاقیت گرفته تا سلامتی و امنیت، اشاره کرده‌اند [لاولاس، ۱۳۸۴]. به هر حال، جهان به سرعت پیش می‌رود و سوءاستفاده از فناوری توسط عده‌ای، نمی‌تواند باعث شود تا از مزایای آن چشم‌پوشیم. می‌توان به رایانه‌ها به عنوان ابزاری هوشمند، مفید و خنثا نگاه کرد که می‌توان از آن‌ها در جهت رشد، امنیت، سلامت و تعالی بشر استفاده کرد.

نقش رسانه‌ها در آموزش به طور عام و مفاهیم علوم اجتماعی به طور خاص شرام^۲ در مطالعاتش به این نکته اشاره

می‌کند که توسعه‌ی اقتصادی جز، در صورت تحقق توسعه‌ی اجتماعی، میسر نیست و توسعه‌ی اجتماعی مستلزم بسط آموزش و اطلاعات، و توسعه‌ی فرهنگی است. حال اگر آموزش و پرورش خود را متولی امر تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان می‌داند، می‌تواند با ایجاد پل ارتباطی میان خود و رسانه‌های جمعی، به مثابه ابزارهای مهم فرهنگی، آنان را در جهت دستیابی به اهداف خود به خدمت گیرد.

بدیهی است از فضای خشک و بی‌اثر کلاس‌های درسی نباید تعجب کرد. در نظام سنتی، معلمان نخست با ارائه‌ی امور انتزاعی و بعد واقعیت‌ها، شاگردان را از لذت اکتشاف محروم می‌کنند. برعکس، باید فضای حل مسئله‌ای توسط معلمان ساخته شود تا علاقه‌ی شاگردان جلب و انگیزه‌ی کشف فرایند انتزاعی در آن‌ها ایجاد شود.

مفاهیمی چون قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نظم‌پذیری، مشارکت اجتماعی، و هویت‌یابی، از جمله مفاهیمی هستند که می‌توان با استفاده از رسانه‌های جمعی و در قالب‌های هنری (شعر، موسیقی، داستان، نمایش و تصویر) به شکل غیرمستقیم ارائه کرد. امروزه پیام‌های کوتاه، رنگارنگ و مؤثر بازرگانی چنان تأثیری بر افراد جامعه (به ویژه کودکان و نوجوانان) دارند که سود سرشاری را نصیب صاحبان سرمایه و بنگاه‌های تجاری می‌کنند. پس می‌توان از این قالب برای ارسال پیام‌های بهداشتی، قانونی، اخلاقی و هویتی (البته با همان جذابیت، تنوع و تکرار) بهره برد.

اگر آموزش مفاهیم علوم اجتماعی صرفاً در قالب چند بخش از کتاب علوم اجتماعی مطرح و قضیه به توضیح و پرسش و پاسخ ختم شود، دانش آموز به آن‌ها، صرفاً به چشم مطالبی برای محفوظات، گذراندن امتحان و گرفتن نمره می‌نگرد. استفاده از رسانه‌های جمعی به عنوان ابزارهای آموزشی، زمینه‌های مناسبی را برای بحث‌های گروهی، پیرامون

مفاهیم اجتماعی فراهم می‌آورد و روابط متقابل بهتری را میان شاگردان و معلم، و شاگردان با یکدیگر به وجود خواهد آورد. یادگیری فعال، ایجاد انگیزش، ایجاد محیط دموکراتیک، رعایت استقلال نسبی و کنترل شده‌ی فراگیران، کمک به خلاقیت و تفکر خلاق، خودداری معلم از ایجاد فضای توأم با اجبار و تقلید، و تحریک فکر، از نتایج سازنده و مثبت استفاده‌ی آگاهانه و برنامه‌ریزی شده، از رسانه‌های جمعی در آموزش و پرورش است.

برای مثال، دانش‌آموزان می‌توانند با بررسی یک پرسش‌نامه‌ی آماری، دیدن فیلم در کلاس و بحث درباره‌ی آن، انتخاب برنامه‌های خاص تلویزیونی و یادداشت‌نویسی درباره‌ی آن‌ها، شنیدن نمایش‌های رادیویی، و خواندن مقاله از روزنامه یا مجله با موضوعات اجتماعی، به جای این که صرفاً دریافت‌کنندگان انفعالی دانش و معلومات باشند، مسائل، مشکلات و فرضیه‌های خود را تنظیم کنند. سپس با کشف و آزمون مطالب و تجربیات واقعی، به سوی درک مفاهیم یا اصول انتزاعی گام بردارند. کنش متقابل میان شاگردان با یکدیگر و معلم، بخش مهمی از تلاش آنان برای انتقال از تفکر عینی به تفکر انتزاعی به حساب می‌آید. روشن است که نقش معلم به عنوان مربی و یاری‌دهنده برای طی این فرایند بسیار مهم است. برای تحقق این امر می‌توان از مدل‌های چرخه‌ی یادگیری سود برد.^۷

در یک چرخه‌ی یادگیری می‌توان از پروژه‌ی SOAR مانند برنامه‌ی ADAPT به عنوان چارچوبی برای درسی ده یا دوازده هفته‌ای استفاده کرد. سه یا چهار هفته‌ی اول ممکن است در کشف مفاهیم، چهار هفته‌ی بعد در ابداع و تعریف مفاهیم و سه یا چهار هفته‌ی پایانی، در کاربرد مفاهیم و مطالب جدید صرف شود. روشن است که رسانه‌های جمعی می‌توانند، به عنوان ابزاری در این

چرخه به کار گرفته شوند. این چرخه یادگیری وقت‌گیر و مشکل‌است، اما اگر شاگردان در زمینه‌ی قوای فکری بهبود قابل توجهی کسب کنند و نهایتاً به درک تفکر انتقادی برسند، دارای ارزش است.

برای شروع کار، نیاز به پژوهش‌ها و بررسی‌های پایه‌ای، در زمینه‌ی استفاده از وسایل ارتباط جمعی در امر آموزش در مدارس به طور عام و مباحث علوم اجتماعی به طور خاص، احساس می‌شود. براساس همین نیاز، از جمله می‌توان سؤالاتی را در این مورد مطرح کرد:

۱. چه تعداد از مدارس صاحب کتاب‌خانه هستند؟
 ۲. چه تعداد از مدارس دارای دستگاه نمایش فیلم هستند؟
 ۳. چه نوع فیلم‌های آموزشی برای استفاده‌ی معلمان در اختیار مدارس است؟
 ۴. چه تعداد از مدارس صاحب گیرنده‌های ارتباطی از جمله رادیو، تلویزیون و رایانه می‌باشند؟
 ۵. ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون مملکتی، چه نوع برنامه‌های خاصی برای استفاده‌ی مدارس تهیه و اجرا می‌کنند؟
 ۶. در سیستم آموزشی از این رسانه‌ها، چه مدت از هفته، به چه صورت، و با در نظر گرفتن چه نتایجی استفاده می‌شود؟
 ۷. وسایل ارتباطی در راه پیشرفت آینده مملکت، چه قدم‌هایی می‌توانند بردارند؟
 ۸. آیا برای استفاده از آن‌ها نیازمند تهیه‌ی وسایل و برنامه‌های بیشتری هستیم؟
 ۹. آیا این رسانه‌ها می‌توانند بار مسئولیت‌های جدید را به دوش بگیرند؟ به طور مثال آیا می‌توان از آن‌ها برای آموزش ضمن خدمت معلمان کمک گرفت؟
 ۱۰. آیا برای استفاده مدارس از رسانه‌های جمعی، تشکیل دوره‌های کوتاه‌مدت کارآموزی ضروری است؟
- براساس جواب به سؤالاتی نظیر این‌ها، می‌توان وضع موجود را از نظر رشد و توسعه‌ی

سیستم ارتباطی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد و با استفاده از نتایج آن، در جهت ایجاد امکانات و رفع کمبودها اقدام کرد.

همه ی اقدامات مذکور به این دلیل ضروری هستند که تدریس مبتنی بر انتقال مجموعه ای ثابت از دانش ها (خواه به وسیله ی معلم و خواه از طریق وسایل پیشرفته ی فناورانه)، به یادگیری طوطی وار، و منفعل بارآمدن دانش آموز منجر می شود. در استفاده از رسانه های جمعی، دانش آموز باید در فرایند دانستن، یادگیری و تدریس، مشارکت فعال داشته باشد. اصلاحات آموزشی در تایلند، کره جنوبی و ایالات متحده آمریکا همه شامل این موارد می شوند:

۱. تغییر نگرش از نظام بسته ی آموزشی به نظام باز و مشارکت اقشار گوناگون اجتماعی در امر آموزش و پرورش.

۲. استفاده از فناوری پیشرفته ی ارتباطات و استفاده از رسانه های جمعی، اعم از چاپی، دیداری شنیداری و ماهواره ای، با دیدگاه توجه به تقویت و پرورش توانایی ها و استعداد های فردی و اجتماعی دانش آموزان و حضور و مشارکت فعال و پویای آن ها.^۸

برای مثال، بررسی پدیده ی مهاجرت

روستاییان به شهرها، آشنایی با مقررات راهنمایی و رانندگی، توجه به الگوی هدف متناسب با امکانات جامعه، و بسیاری مسائل اجتماعی دیگر که می توان با استفاده از انواع رسانه های جمعی، دانش آموزان را به شکل عملی و فعال با آن ها درگیر کرد.

رسانه های جمعی و کارایی هریک از آن ها در امر آموزش

استفاده از رسانه های جمعی (مطبوعاتی و دیداری شنیداری)، امکان انجام پروژه های کوچک و کوتاه را در خارج از کلاس برای شاگردان فراهم می آورد. این تمرینات به آن ها فرصت می دهد، درباره ی تجربیات عینی خود فکر و آن ها را ارزیابی کنند. سپس نتایج آن ها در کلاس مطرح و به بحث گذاشته می شوند. این فعالیت ها، یکی از راه های تقویت و پرورش گروه کوشی و گروه جوشی دانش آموزان است و بی تردید در رشد اجتماعی آن ها تأثیر به سزایی دارد. حال به بررسی چگونگی این فعالیت ها با توجه به نوع رسانه می پردازیم:

الف) رسانه های مطبوعاتی و چاپی

از آن جا که روزنامه، مجله و سایر رسانه های نوشتاری برای توده ی مردم نوشته

می شوند و از مشکلات زبان تخصصی به دورند، فرصت های عالی و متنوعی را برای ساختن تمثیل ها و ارتباط تجربیات هر روزه، با مفاهیم انتزاعی تر مورد بحث در کلاس درس را به وجود می آورد. می توان از اخبار و مقالات روزنامه ها و مجلات که مربوط به موضوع درس همان جلسه است، استفاده کرد. به این شکل که پیش از ورود شاگردان به کلاس، مقاله ای همراه با دو یا سه پرسش مهم را روی میز شاگردان گذاشت و سپس به آن ها فرصت داد تا مقاله را بخوانند، به پرسش ها پاسخ دهند و به صورت گروه های کوچک در بحث شرکت کنند. شاگردان نه فقط از این روش لذت می برند، بلکه زودتر سر کلاس حاضر می شوند تا وقت بیشتری را صرف تمرینات کنند. برای بازدهی بیشتر بحث، می توان کلاس درس را به صورت محیطی پذیرنده درآورد.

جدول ۱، نمونه ای از کار در کلاس درس را نشان می دهد:

از دیگر رسانه های نوشتاری، نشریات محلی هستند که می توانند با تهیه ی برنامه های آموزشی و پرورشی مناسب در هر استان، شهرستان ها و روستاهای تابعه ی آن (هماهنگی با جامعه ی روستایی و نحوه ی

مقاله ی ضمیمه شده ی روزنامه را درباره ی تنهایی بخوانید. ^۹
گزارش عینی:
طبق نظریه ی پروفیسور وایس، علت تنهایی اجتماعی و عاطفی چیست؟ پیشنهاد او درباره ی راه حل آن چیست؟
تعیین فرضیه ها:
آیا فکر می کنید پروفیسور وایس معتقد است تنهایی خوب است یا بد؟ برای تأیید پاسخ خود از یک نقل قول کوتاه استفاده کنید. دو پاراگراف آخر مقاله بسیار جالب توجه اند. به نظر شما اظهارات پایانی مبتنی بر چه فرضیه هایی است؟
مفاهیم مربوط:
در هفته ی گذشته، درباره ی موضوع تنهایی در نوشته های ژان پل سارتر بحث شد. تا چه حد سارتر با دکتر وایس در مورد علت تنهایی موافق است؟
خطر طراحی این نوع تمرینات، بیش از اندازه بازبودن آن هاست. معلم باید در یک قالب سازمان یافته کار را کنترل کند تا نتایج مطلوب تضمین شوند.

جدول ۱. ادبیات مکتب آگزیستانسیالیسم: حل مسئله

معیشت و فرهنگ آن‌ها)، خلأ پرورش اجتماعی متناسب با جامعه‌ی روستایی را که در کتب علوم اجتماعی و آموزش‌های رسمی در مدارس احساس می‌شود، پر کنند. فراخوان محلی و مشارکت دانش‌آموزان در تهیه و تدوین مطالب این نشریات می‌تواند شیوه‌ای عملی در جهت آموزش مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌یابی و نظم‌پذیری باشد. این نشریات از جهت هزینه، مناسب‌ترند و دسترسی محلی به آن‌ها آسان‌تر انجام می‌شود.

ب) رادیو

از میان رسانه‌های جمعی، رادیو به دلیل کم‌هزینه‌تر بودن نسبت به تلویزیون، ویدیو و رایانه، کاربرد بیشتری دارد و از آن می‌توان به‌عنوان ابزاری کمکی در کنار معلم و کلاس، با شیوه‌ها و قالب‌های متفاوت، برای آموزش مفاهیم علوم اجتماعی استفاده کرد. استفاده از رادیو، به خصوص در مناطق روستایی بد

آب و هوا و صعب‌العبور که ممکن است کلاس‌ها در مقاطعی از سال تعطیل باشند و یا کمبود کلاس و کثرت دانش‌آموزان، مانع از بحث و گفت‌وگوی کافی و تبادل تجربه میان دانش‌آموزان و معلم شود، بسیار مؤثر است.

تاریخچه‌ی استفاده از رادیو در آموزش و پرورش بعضی کشورها^۱

از سال ۱۹۵۴ به بعد، آموزش و پرورش تایلند به‌طور تدریجی وارد مرحله‌ی استفاده از رادیو جهت آموزش شد. پس از آموزش زبان خارجی و موسیقی، موضوع سوم علوم اجتماعی بود که دولت تایلند مایل بود از رادیو آموزشی به‌عنوان وسیله‌ای برای القای ارزش‌های اجتماعی ضروری و مناسب در میان کودکان و نوجوانان استفاده کند و مسلم بود که باید در نحوه‌ی آموزش این درس تغییرات مطلوب و اساسی داده می‌شد. مسئله‌ای که پس از آن پیش می‌آمد مسئله تربیت کادر مجرب

بود. برای این کار معلمینی انتخاب شدند که توانایی تدریس از راه رادیو را دارند و در کلاس‌داری نیز ممتازند. با کمک تهیه‌کنندگان خوب رادیویی و شرکت معلمان انتخاب شده و آموزش‌های تکنیکی و فنی، کادر آموزشی و فنی آماده شد و پس از آن، امور فنی رادیو را محصلین و معلمین مؤسسه فنی تایلند بدون کمترین بودجه‌ای برعهده گرفتند. این فرصت باعث شد رادیو برای آن‌ها به‌صورت آزمایشگاه زنده‌ای درآید.

در استرالیا و زلاندنو، برای خانواده‌های روستایی که بسیار دور از شهر و مدرسه بودند، برنامه‌های رادیویی تهیه شد و بچه‌های روستایی در پشت میزهای خود در ایوان خانه‌هایشان درس‌ها را فرا می‌گرفتند تا پس از ساخته شدن مدرسه، وارد آن شوند. در هند، توگو و نیجریه، در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ باشگاه‌های رادیویی کار آموزش و فرهنگ‌سازی را در روستاها و مراکز دورافتاده

این تمرین را، به منظور پی‌گیری بحث اخیر درباره‌ی عمل قطع کردن حرف مردان و زنان تکمیل کنید و آن را در جلسه‌ی بعد با خود بیاورید. مکالمه‌ای ۱۰ دقیقه‌ای را بین دو خانم و آقا از رادیو گوش کنید. هنگام گوش کردن، حواس خود را به موارد زیر معطوف کنید و یادداشت بردارید^۱:

الف) چه کسی حرف‌های دیگری را قطع می‌کند؟

ب) چه کسی بیشتر حرف‌های دیگری را قطع می‌کند؟

ج) چه کسی حرفش بیشتر قطع می‌شود؟

برای ثبت نتایج خود از الگوی زیر استفاده کنید:

صحبت کننده جنسیت سن وضع اجتماعی یا شغل تعداد انقطاع‌های انجام شده تعداد دفعات انقطاع

۱-

۲-

۳-

۴-

بعد از ثبت اطلاعات، درباره‌ی مکالمه بیندیشید و موارد زیر را انجام دهید:

۱. در یک پاراگراف، هر ارتباطی را که میان موقعیت اجتماعی یا شغل افراد و انقطاع‌ها مشاهده کرده‌اید، توضیح دهید.

۲. در یک یا دو پاراگراف توضیح دهید که آیا به نظر شما رابطه‌ای بین جنسیت و قطع کردن حرف شخص دیگر وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چگونه آن را توضیح دهید؟

۳. آیا ممکن است عوامل دیگری وجود داشته باشند که باعث انقطاع در این مکالمه به خصوص شوند؟

۴. یافته‌هایتان چه ارتباطی با بحث گذشته مان درباره نقش جنسیت در فرهنگ ما دارد؟

جدول ۲. تغییر جنسی در زبان - تکلیف خارج از کلاس

برعهده گرفتند و با ارتباط متقابل و استفاده از نظریات مردم، کار اجتماعی پارزشی را ارائه کردند [رشیدپور].

در مورد استفاده از رادیو به عنوان ابزار کمک آموزشی، جدول زیر برای فعالیت خارج از کلاس پیشنهاد می شود:

ج) تلویزیون و ویدیو

تلویزیون اطلاعات مورد نیاز و تجارب تصویری و عاطفی مشترکی را به میلیون ها نفر ارائه می کند و امکان استفاده از یک زبان مشترک را فراهم می سازد. بدین ترتیب می تواند در انسجام و هم بستگی اجتماعی نقش داشته باشد. اما اثرات منفی نیز دارد که یکی از آن ها مصرف زدگی است. اگر مریبان و متخصصان رسانه ها بتوانند با یاری یکدیگر برنامه های بهتری را تولید کنند، می توانند به جای نابرابری و مصرف زدگی، مردم را باهم متحد و هم بسته سازند. اگر بخواهیم از تلویزیون به عنوان ابزار آموزش و پرورش استفاده کنیم، باید با ماهیت تجاری آن مقابله کنیم. یکی از خدمات، کاربرد این رسانه در آموزش مفاهیم علوم اجتماعی است که می تواند به شکل پژوهشی و با یادگیری خودکار دانش آموزان توأم شود.

اگر معلمان برای بحث انتقادی و تحلیلی با دانش آموزانی که نمایش های ویدیویی یا تلویزیونی را تماشا می کنند، خوب آماده شوند، می شود با نکات منفی این نمایش ها، مثل خشونت و غیره، مقابله کرد.

با انتخاب برنامه ها و فیلم های متناسب با موضوع تدریس، مفاهیم علوم اجتماعی توسط معلم و دانش آموزان مورد بحث قرار می گیرد. با این روش معلم به شاگردان نشان می دهد که آن ها چیزی برای گفتن دارند و به آن ها کمک می کند که ببینند، تجربیات زندگی، بینش ها و ایمان و عقاید و تدبیر آن ها، ارزش این را دارد که به طور جدی با آن ها توجه شود. ضمناً، دانش آموزان تجزیه و تحلیل و نقد مطالب را می آموزند و با پیش

در عصری که کتب درسی قبل از این که از زیر چاپ درآیند، کهنه می شوند و بیشتر مشاغل، نوآوری های سریع و مداوم را تجربه می کنند. اهداف نهایی و کلی تعلیم و تربیت باید تغییر یابند

رسانه های جمعی به دلیل ویژگی های اصلی شان، یعنی قدرت و شعاع گسترده و برقراری رابطه با جمع، می توانند به عنوان ابزارهای بسیار مؤثری در روند اجتماعی شدن فرد در جامعه مطرح شوند

تلویزیونی و ویدیویی آشنا شوند، به نحوی که آگاهی آنان نسبت به محیط زیست به طور پویا تحریک و تقویت شود.

۲. باید از یاد دادن به یاد گرفتن روی آورد. آموزش و پرورش باید یادگیرندگان را توانا سازد که درک کنند، خورد و خوراک، اشیای مصرف شده و اعمال ایشان، روی محیط زیست چه اثرات سویی به جای می گذارد.

۳. برای حفظ و نگه داری انرژی، پژوهش ها و تحقیقاتی به عمل آید.

۴. آموزش و پرورش باید شبکه ای داخلی را با نهضت بین المللی دفاع و حراست از محیط زیست پیوند بزند. رایانه و اینترنت می توانند، وسیله ی خوبی برای دست یابی به این منظور باشند. شناخت محیط نباید تنها به عده ی معدودی از متخصصان یا واحدها واگذار شود، بلکه تمام نظام آموزشی باید در این مهم دخیل باشند [اجلاس منطقه ای یونسکو، ۱۳۷۰: ۵۱ و ۵۲].

علاوه بر این، از تلویزیون و ویدیو می توان برای آموزش معلمان استفاده کرد و به آنان آموخت تا خود منتقد باشند. تجزیه و تحلیل انتقادی باید بخشی از برنامه ی درسی تربیت معلم باشد. تربیت معلم برای قرن بیست و یکم باید شامل حساسیت نسبت به فرهنگ های دیگر، آموزش تجزیه و تحلیل انتقادی، رفع تنش، و تعامل های توأم با تشریح مساعی با کارشناسان رسانه ها باشد.

پافتادگی فرهنگ انبوه و شبیه سازی های من درآوردی، برخوردی نقادانه و فعال می کنند. در عین حال، دانش آموز یاد می گیرد که فرهنگ برخوردار فعال را به خانه ببرد و جمع خانواده را به بحث و گفت و گو درباره ی مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی وادارد. از این طریق، جمع خاموش و منفعل در مقابل جعبه ی جادویی، به تجمعی برای تبادل افکار، اطلاعات و احساسات میان اعضای آن تبدیل می شود. مسئله ی دیگر، همکاری متخصصان آموزشی با کارشناسان و تهیه کنندگان فیلم ها و برنامه های آموزشی است. کار مشترک آن ها می تواند به خلق برنامه های تلویزیونی و فیلم های ویدیویی منجر شود که در عین حفظ کیفیت هنری، به درک فعال مفاهیم اجتماعی کمک کند.

سازوکار اثربخشی این رسانه بر فرایند آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان و نوجوانان از چند اصل تبعیت می کند:

۱. تکرار در ارائه و معرفی ارزش ها.
۲. ارائه ی ارزش های اجتماعی به شکل دراماتیک و تجسمی.

۳. هم گرایی و هم سویی ارزش های معرفی شده با علایق و نیازهای آن ها.

مثلاً برای شناخت نو درباره ی آموزش حفظ محیط زیست، خط مشی زیر توصیه می شود:

۱. دانش آموزان باید با محیط زیست و مسائل مربوط به آن، از طریق برنامه های

فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT)

امروزه، معلم یا والدین، منبع تمام آگاهی‌ها به حساب نمی‌آیند و آموزش‌های غیرمستقیم از طریق ماهواره، اینترنت و غیره عمومیت یافته‌اند و اثرات آن‌ها در جامعه‌ی ما نیز کم و بیش مشاهده می‌شود. اما فرهنگ اشتراک اطلاعاتی رایگان در اینترنت، هرگز نباید به تقسیم افراد به فقیر و غنی منجر شود. زیرا افراد محروم، با وجود داشتن مهارت در کسب اطلاعات، قادر به دست‌رسی به آن‌ها و نقل و انتقالشان نیستند. این جاست که نقش حیاتی مدارس آشکار می‌شود. دست‌رسی به اینترنت جزو ملزومات خدمات فرهنگی و عمومی است. بنابراین، استفاده از اینترنت در مدرسه، زیر کنترل کمی و کیفی معلمان آموزش دیده، چند مزیت دارد:

۱. جلوگیری از استفاده از سایت‌های غیراخلاقی و مضر؛
۲. دست‌رسی به منابع عظیمی از اطلاعات برای پژوهش دانش‌آموزان؛
۳. امکان استفاده‌ی دانش‌آموزان محروم از این فناوری.

معلمان آگاه، با تدریس راهکارهای مبتنی بر اصول معقول و پذیرفته شده، از مزایای فناوری‌های جدید بهره‌مند خواهند شد و آن‌ها را در ترکیب با روش‌های سنتی به کار خواهند بست. می‌توان فناوری جدید و رسانه‌های جمعی را در جهت تکمیل کردن، غنی ساختن و وسعت بخشیدن به شیوه‌های آموزشی به کار گرفت. این امر برنامه‌ریزی و آموزش‌های اصولی را برای معلمان می‌طلبد تا بروز مشکلات، نتایج آن را مخدوش نسازد.

آنچه در امر یادگیری دانش‌آموزان و در مورد خود معلمان مفید است، وب‌سایت‌های بسیار ارزشمندی است که برای کمک در زمینه‌ی پیشرفت‌های حرفه‌ای طراحی می‌شوند. «مرکز معلمان مجازی انگلستان»^{۱۲} مطالب مفیدی را درباره‌ی پیشرفت تخصصی فراهم می‌کند، اما

اطلاعات بیشتر را می‌شود با پیوستن به گروه‌های مشابه معلمان و یا دوستان کلیدی به دست آورد.

در زمینه‌ی استفاده از ICT در مدرسه، مایکل مارلند (۱۹۸۱) برای راهنمایی پیشرفت کار کنترل اطلاعات، چارچوبی متشکل از نه سؤال مطرح می‌کند؛ چه این کار یک کار تحقیق عملی باشد یا پرداختن به یک موضوع و یا نوشتن یک تکلیف: ۱. چه چیز را باید بدانم؟ ۲. در چه مسیری باید گام بردارم؟ ۳. چگونه به اطلاعات دست یابم؟ ۴. از چه منابعی استفاده کنم؟ ۵. چگونه از منابع بهره بگیرم؟ ۶. از چه چیزهایی باید رونوشت بردارم؟ ۷. چگونه باید آن‌ها را ارائه کنم؟ ۸. به چه چیزهایی رسیده‌ام؟ ۹. آیا به اطلاعات مورد نیاز خود دست یافته‌ام؟ [گری، ۱۳۸۳: ۱۶۳ و ۱۶۴]

این سؤال‌های نه گانه می‌تواند در پژوهش و پرداختن به مفاهیم علوم اجتماعی در مدارس توسط دانش‌آموزان و تحت نظارت و راهنمایی مربیان تعلیم دیده، مورد استفاده قرار گیرد.

پس از انجام پژوهش، یکی از راه‌های مفید و لذت‌بخش عرضه‌ی نتایج، این است که یک اتاق خبر را شبیه‌سازی کنید تا دانش‌آموزان ملزم شوند، طی یک اطلاعیه‌ی مثلاً رادیویی یا در قالب روزنامه‌ای، به ارائه‌ی اطلاعات بپردازند. تواناساختن دانش‌آموزان و آماده کردن آن‌ها برای کار، مهم‌ترین بخش کار معلمان است. و در نهایت رایانه‌ها نمی‌توانند، جای‌گزین معلمانانی شوند که نه تنها در تهیه‌ی اطلاعات، بلکه در هدایت ساختار دانش افراد نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

انتخاب رسانه‌ی مناسب و مطلوب

در زمینه‌ی انتخاب رسانه نمی‌توان به الگویی کلی و قابل قبول از طرف همه اشاره کرد. اکثر کارشناسان آگاه رسانه‌ها، با شرام که می‌گوید: «هیچ شیوه‌ای را نمی‌توان به

صورت خودکار و برای تمامی موقعیت‌های آموزشی به کار گرفت»، موافق‌اند.

اکثر آموزش‌ها بدون توجه به این که کجا و چگونه ارائه می‌شوند، برنامه‌ریزی می‌شوند. اما امروزه تأکید بر سودمندی و کارایی (ازجمله سودمندی هزینه) و پاسخ‌گویی است. برنامه‌های آموزشی باعث شده‌اند تا نقش رسانه‌ها در رابطه با کل برنامه بسیار بااهمیت شود. دامنه‌ی امکانات رسانه‌ای به فراسوی پروژکتور، فیلم استریپ و نوارهای ضبط صوت گسترش می‌یابد. طراحان آموزشی باید در حدی وسیع از این نکته آگاه باشند که برای انتخاب رسانه‌ها به اخذ تصمیماتی دقیق نیاز دارند. هم چنین، از آن رو که رسانه‌ها در ارائه‌ی رویدادهای گوناگون آموزشی، توانایی‌های متفاوتی دارند، انتخاب رسانه، بر سودمندی آموزش تأثیر اساسی خواهد گذاشت.

توستی و بال، طبقه‌بندی خود را براساس عوامل زیر شکل داده‌اند:

۱. نوع پاسخ‌های مورد پذیرش رسانه،
۲. راه‌های هم‌خوان کردن نمایش با پاسخ‌های قبلی فراگیر [ریسر و گانیه، ۱۳۷۷: ۲۰].

اما عواملی که باید از طرف معلمان و متخصصان دیداری-شنیداری و طراحان آموزشی در نظر گرفته شوند، عبارت‌اند از: الف) خصوصیات فیزیکی؛ ب) ویژگی‌های فراگیر (مکان، وظیفه)؛ ج) عوامل عملی.

در خصوصیات فیزیکی به ویژگی‌هایی مانند جلوه‌های دیداری (حرفی-عددی، نموداری، تصویری و سه بعدی) اشاره می‌شود که رنگ، حرکت و کلمات چاپی از آن دسته‌اند.

در جلوه‌های شنیداری، به صداهای کلامی و غیرکلامی اشاره می‌شود. پیشگامان رشته‌ی دیداری-شنیداری، مثل دیل^{۱۳}، در اکثر اوقات بر استفاده از آن گونه‌اشیای واقعی و سایر رسانه‌هایی که بتوانند، به صورتی واقعی اطلاعاتی را ارائه کنند، تأکید داشته‌اند.

مسئله‌ی دیگر، ویژگی‌های فراگیر از نظر سطح دانش، زبان و موضوع مورد آموزش و مکان آموزشی است. مسئله‌ی سوم، انتخاب رسانه به لحاظ عوامل عملی است. بدون شک، هزینه‌ها و در دسترس بودن رسانه، از عوامل مهم انتخاب رسانه هستند. اما آنچه به عنوان هدف در نظر گرفته می‌شود، سودمندی و کارایی رسانه برای تضمین یادگیری است. در آموزش مفاهیم علوم اجتماعی، ویژگی ارزشمند تصویر ترکیبی متحرک صدا دار، همراه با توانایی آن برای نشان دادن موجودات انسانی و اعمال آن‌ها، دلیل خوبی بر انتخاب تصاویر متحرک صدا دار و نوار تلویزیونی به عنوان رسانه‌ای مطلوب است. احساس واقعی از بودن در مکان، از طرف تماشاگران و استفاده‌های آموزشی از ترسیم انسان در عمل، به برقراری یا تغییر و تعدیل در نگرش‌ها می‌انجامد.

فیلم‌هایی در زمینه‌ی اجتناب از داروهای مضر، حفظ محیط زیست پاکیزه، استقرار عادات نیکو و... به خوبی شناخته شده هستند. هم چنین، در آموزش کلامی ضبط شده (رسانه‌های شنیداری)، به ویژه اگر با مقدمه‌ای که صدای آشنا برای شنوندگان دارد، بیان شود، می‌تواند تأثیر زیادی بر تغییر نگرش داشته باشد. برنامه‌های دراماتیک، شبیه‌نمایش‌های رادیویی، بی‌شک اثرگذاری زیادی بر نگرش‌ها دارند. هم چنین، نوارهای شنیداری مربوط به خاطرات و یا صحبت‌های صمیمانه شخصیت‌های بزرگ علمی، هنری و تاریخی، توان بالقوه‌ای برای نیل به این هدف دارند.

معلم می‌تواند، ارائه‌ی آموزش را به صورت‌های بسیار متنوعی ترتیب دهد و برای انجام این امر، انواع قابل توجه رسانه‌ها (ترکیب اسلاید / نوار، فیلم‌ها، طرح‌های کمکی، متون چاپی و یا سایر مجموعه‌های بزرگ از رسانه‌ها) را به کار گیرد. وقتی معلم به این صورت عمل می‌کند، مدیری آموزشی محسوب می‌شود و می‌تواند، محتوای مورد

آزمایش را با کمک گرفتن از ابزارها و آن‌چه خود برای یادگیری انجام می‌دهد، همراه کند و به انجام رساند. به این منظور، مربی انتخاب شده باید شخصی قابل تمجید، معتبر و قوی باشد. این بدان معناست که نقش معلمان نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه آن‌ها وظایف مهم‌تری را به عهده می‌گیرند. در نقش جدید، معلمان به جای پرداختن صرف به مواد درسی، به کل انسان می‌پردازند و به عنوان یک یاور در فرایند بالندگی او از نظر جسمانی، اجتماعی، عاطفی و فکری ایفای وظیفه می‌کنند. بازآموزی معلمان موجود و تربیت معلمان جدید برای تقبل وظایف نو، از خط‌مشی‌های اساسی محسوب می‌شود و اجرای آن، تعهد، برنامه‌ریزی، تشکیلات، مدیریت و سرمایه‌گذاری عظیمی را ایجاب می‌کند.

نتیجه

اگر فعالیت‌های اجتماعی و آموزشی مدارس را به سه دسته‌ی کلی: الف) داخلی، ب) خارجی، و ج) داخلی - خارجی تقسیم کنیم، در بخش آموزش مفاهیم علوم اجتماعی می‌توان از رسانه‌های جمعی در هر سه نوع فعالیت استفاده کرد. آن‌چه در آموزش این مفاهیم اهمیت دارد، به کار بستن آن‌ها در زندگی اجتماعی آینده توسط دانش‌آموزان است. یعنی این آموزش‌ها باید زمینه‌ای شوند برای پرورش که همانا به کار آمدن توانایی در زندگی اجتماعی است. شاید بتوان این آموزش‌ها را در سه زمینه به این شرح عنوان کرد:

۱. آموختن نحوه‌ی یادگیری؛
۲. پرورش فرد برای استفاده از یادگیری خود؛
۳. آمادگی فرد برای زندگی در جامعه؛
۴. مدارس موفق در قرن بیست و یکم مدرسی هستند که به دانش‌آموزان دو چیز را یاد می‌دهند: الف) ایجاد سؤال در ذهن خود، ب) روش‌های پژوهشی و مهارت‌های ارتباطی.

پائولو فریره^{۱۳} استدلال می‌کند که آموزش حقیقی، آموزشی است که به مستضعفین توان تفکر و شناخت انتقادی را بیاموزد و موجب احیای فرد فراموش شده باشد.

زیر نویس:

۱. بودریار، فرهنگ رسانه‌ها.
2. rote memorization
3. Stress on Analytical Reasoning
4. Accent on Developing Abstract Processes Thought
5. Contents
6. Schramm
۷. برای آگاهی بیشتر از نمونه‌های پرخره‌ی یادگیری در علوم انسانی، رجوع کنید به: فولر، آموزش تفکر انتقادی، ۱۹۷۱.
۸. برای مطالعه‌ی بیشتر و دقیق‌تر، رجوع شود به: نفیسی، ۱۳۷۶.
۹. استخراج جدول از: کتاب آموزش تفکر انتقادی، چت مایرزیس، ۱۳۷۴، ص ۹۴.
۱۰. استخراج جدول، از کتاب: مایرز، ۱۳۷۴: ۹۵ و ۹۶.
11. UK Virtual Teachers Center
12. Dale (1969)
13. Paulo Freire

منابع:

۱. کازانو، ژان. جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی. ترجمه‌ی باقر ساروخانی. ۱۳۶۵.
۲. پاستر، مارک. عصر دوم رسانه‌ها. ترجمه‌ی غلامحسین صالحیار. ۱۳۸۰.
۳. ملک، ژاک. آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری برای آینده. ترجمه‌ی عبدالحسین نفیسی. ۱۳۷۱.
۴. اجلاس منطقه‌ای یونسکو. آموزش و پرورش برای آینده. بانکوک تایلند. اوت ۱۹۹۰.
۵. مجمع علمی جایگاه تربیت و پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان. خلاصه مقالات پنجمین مجمع. ۱۳۷۳.
۶. مایرز، چت. آموزش تفکر انتقادی. ۱۳۷۴.
۷. سرمد، غلامعلی. نگرش کاربردی بر روش‌های تدریس و هنر معلمی. ۱۳۷۹.
۸. ریسر، رابرت آوگانه، رابرت ام. انتخاب رسانه‌ها برای آموزش. ترجمه‌ی سیامک مهجور. ۱۳۷۷.
۹. نفیسی، عبدالحسین. آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰. پژوهشکده تعلیم و تربیت. ۱۳۷۶.
۱۰. محمدی، محمدعلی. رهایی بخشی یا سلطه. ۱۳۸۱.
۱۱. اسماعیلی، عبدالله علی. فعالیت‌های تربیتی و اجتماعی در مدارس. ۱۳۸۱.
۱۲. دلورز، ژاک. آموزش برای قرن بیست و یکم. ۱۳۸۰.
۱۳. گری، دانکن. اینترنات در مدرسه. ترجمه‌ی مریم ناخدا. ۱۳۸۳.
۱۴. لاولاس، آوریل. نقش ICT در کلاس درس. ۱۳۸۴.
۱۵. رشیدپور، ابراهیم. ارتباط جمعی و رشد ملی. مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بی تا.